

## پرتقال در بشقاب سرمه ای



شماره و نویسنده  
حامد عسکری

پشت در اتاق زایمان منتظر بود. دوقلوها قرار بود بیایند و زندگی دونفره شان را حالا دوباره برکنند. قرار بود بیایند و از این به بعد در هر چهار ضلع سفره کوچکتان یک نفر نشسته باشد. قدم می زد و ذکر می گفت. قدم می زد و صلوات می فرستاد. نمی شد زیاد مزاحم کادر اتاق عمل شود. ایستاده بود و منتظر. خط قرمز روی زمین را نگاه کرد. نوشته بود پله های اضطراری. خط قرمز را دنبال کرد و به سمت پله ها رفت. در جیب هایش دست گرداند و پاکت سیگار را پیدا کرد. کبریت اول قسمت با شد. کبریت دوم گوگردش توسوز کرد و کبریت سوم را دست لاله کرد و سیگاری گیراند. کام اول را عمیق و طولانی گرفت و بیرون داد. آه سینه اش سنگین تر بود یا دود سیگار؟ سر چرخاند و پرتقال روشن طلایی در بشقاب سرمه ای شب را در چشم هایش قاب گرفت. کند علی بن موسی <sup>(ع)</sup> را از روی پله های اضطراری نگاه کرد. ادب کرد و سیگار را که رو به بیرون بود، میان سیابه و شست. داخل دست گرفت و از سر ادب پشت سرش پنهان کرد. حرارت سیگار پیاله دستش را گرم کرده بود. شروع کرد به حرف زدن. از روزهای اول آشنایی اش با گراناز گفت و همه سختی هایی که دوتایی کشیده اند، از رزهای گلخانه که همه اش آفت زده بود و نذر کرده بود که قلعه های جدید اگر درست به بار بنشینند، چین اول گل ها را با نسیان کند و بفرستد حرم که بنشینند بالای ضریحش. بعد گله کرد از گراناز پیش آقا که دیدید توی آسانسور چی گفت؟ خودتان شاهد بودید چه جوری خنجر داغ در قلمب کرد و چرخاند؟ یکی هم نبود که بگوید دختر جان لوس کرد هم وقت و آداب دارد. اینکه داخل آسانسور با لباس عمل چشم در چشم مردت بدوزی و بگویی اگر از اتاق عمل زنده بیرون نیامدم، لطفاً ازدواج کن. فقط از من خوشگلت تر نباشد هم شد لوس کردن؟ اینکه بگویی

دمای هوای مشهد ۲۶٪  
۱۸° ↓ ۳۳° ↑  
صبح ۲۴  
ظهر ۲۹  
عصر ۳۰  
شب ۲۴

اذان ظهر ۱۱:۲۷:۵۷  
نیمه شب شرعی ۲۲:۱۹:۳۳  
غروب آفتاب ۱۸:۲۶:۲۴  
اذان صبح فردا ۰۴:۵۰:۴۵  
اذان مغرب ۱۸:۴۶:۲۱  
طلوع آفتاب فردا ۰۴:۲۸:۳۷

SHAHRARANEWS.IR  
۴شنبه  
Mashhadchreh.ir  
Photoshahr.ir

روزنامه فرهنگی-اجتماعی-اطلاع رسانی  
صاحب امتیاز:  
شهرداری مشهد  
مدیر مسئول:  
سید میثم موسوی مهر  
سرمد بیمر:  
سید مسجاد طلوع هاشمی  
نشانی: میدان شهید  
نیایش دانشگاه ا  
دفتر مرکزی:  
۳۷۷۸۸۸۱۱  
نمایش: ۳۷۷۸۸۱۱  
روابط عمومی: ۳۷۷۴۳۱۱  
شماره پیامک: ۳۰۰۰۷۲۸۹



### حدیث گرافی



طرح: جلال حاجی زاده

### اول شخص

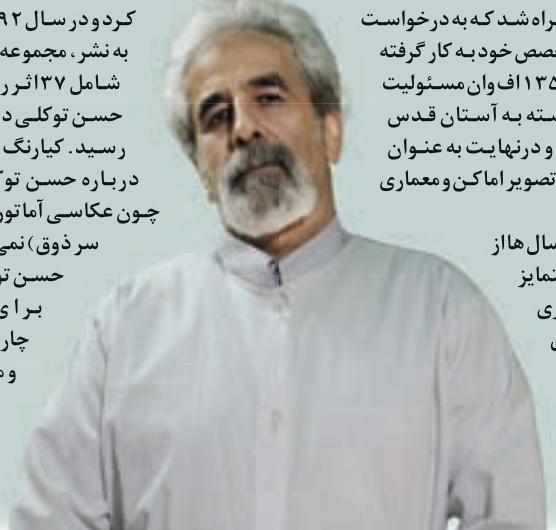
## ۴۰۰ پله بالاتر از عشق

درباره حسن توکلی، عکاس پیشکسوت مشهدی که نزدیک ۳۰ سال عاشقانه در حرم مطهر رضوی شاتر زد



آزده چشمه سنگی  
نویسنده

دیگر عکاسان به عکاسی روی پشت بام ها قناعت می کردند، حسن توکلی مشقت و خطر بالا رفتن از چهارصد پله را به شوق خلق اثری متفاوت به جان می خرید.  
رتبه اول نخستین جشنواره فرهنگی هنری امام رضا <sup>(ع)</sup>، رتبه اول پنجمین جشنواره فیلم و عکس خراسان در شاخه عکاسی معماری و رتبه دوم مسابقه عکاسی ضریح مطهر حضرت رضا <sup>(ع)</sup> از جمله افتخارات حسن توکلی در طول سال ها خدمت به بارگاه منور امام هشتم <sup>(ع)</sup> است. آثار او در مقاطع گوناگون با حضور در نمایشگاه های بین المللی به کشورهایمانند فرانسه، هلند، قطر، بنگلادش و پاکستان نیز سفر کرد و در فراسوی مرزها با استقبال همراه شد. سال ۱۳۸۸ نیز آستان قدس رضوی از حسن توکلی به پاس چندین دهه خدمت خالصانه در دومین همایش تولید محصولات فرهنگی قدرانی کرد و در سال ۱۳۹۲ نیز به همت انتشارات به نشر، مجموعه ای با عنوان «صحن سید» شامل ۱۳۷ اثر رنگی و سیاه و سفید از آثار حسن توکلی در دهه های ۶۰ و ۷۰ به چاپ رسید. کبارنگ علایی در مقدمه این کتاب درباره حسن توکلی می گوید: «عبارتی چون عکاسی آماتوری (به معنای عاشقانه و از سر ذوق) نمی تواند در کنار عکس های حسن توکلی قرار بگیرد. برای این عکاسی که در چارچوب های علمی نمی گنجد و مسیری تجربی و بر مبنای حساسیت و تصمیم گیری و تشخیص دلی پشت آن است. این واژه ها ابتر و ناقص اند.»



حسن توکلی قرار بگیرد.

### تلنگر

## بیزاری رسالت پیامبران نیست



حسین ابراهیمی  
نویسنده

بیزاری را باید در فرهنگ قرآن جست که آیا کتاب هدایت به ما اجازه می دهد که در جامعه مسلمانان فریاد برآیم که ای گنهگار، من از تو بیزارم؟!  
در ماجرای قوم لوط در قرآن کریم رد پای از این بیزاری وجود دارد، جایی که پیامبری خطاب به قومی که دچار زشتی آشکار هستند، می گوید: «قَالَ إِنِّي لَعَلِّكُمْ مِنَ الظَّالِمِينَ»  
(شعرا: ۲۶)  
اما اینجا هم نفرمود من از شما بی گفتمتار این کار زشت هستید، متفر و بیزارم. قصه فقط قصه عملی اشتباه بود که می خواست قوم خود را از آن بازدارد و باز می خوانیم: «يَا قَوْمِ هَؤُلَاءِ بَنَاتِي هُنَّ أَطْهَرُ لَكُمْ»، ای قوم من، اینان دختران من اند. آنان برای شما پاکیزه ترند. «هود: ۷۸» دلسوز ایشان بود. حاضر بود افرادی که گرفتار این زشتی بودند، دامادش شوند، به شرطی که از این عمل دور گردند و این بدان معناست که در رسالت پیامبری بیزاری از افراد نیست. در داستان پیامبر اعظم <sup>(ص)</sup> هم جملات و پیام ها همین است، خداوند تعالی رفتار پیامبری را طلب می کند که آن مهربانی است، عطوفت است، غمخواری و دردتراپی است. جایی که خطاب به پیامبر خود می فرماید: «وَاحْفَظْ جَنَاحَكَ لِمَنِ اتَّبَعَكَ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ»، برای آن مؤمنانی که تو را پیروی کرده اند، بال خود را فرو گستر.  
اما در ادامه می فرماید: «فَأَنْ عَصَاكَ فَأَنْ أِنِّي تَرِيءُ مِمَّا تَعْمَلُونَ»، و اگر تو را نافرمانی کردند، بگو من از آنچه می کنی، بیزارم. (شعرا: ۲۱۵ و ۲۱۶)

### چکامه

امشب گریز آهوانه من  
دست های توست نه گنبد طلا!  
آقا تمام شهر صیادند  
یولاد پای پنجره ات آب می شود  
وقتی برای دین تو آسمان شوم  
امشب کنار پنجره  
جای نگاه نیست  
پرواز می کنم از پشت پلک ها  
سفر آغاز می کنم  
هادی منوری

### روایت زائر

## همه خاطرات ما از حرم



انگار بهترین جای دنیا نشسته اند، رویه روی گنبد و گلدسته های حرم، سمت چپ گنبد فیروزه ای گوهرشاد و رویه ویشان زائرانی که مشتاق زیارت هستند و برای زیارت می روند. بعضی دیگر هم که تازه با حرم خدا حافظی کرده اند، احتمالاً در ذهنشان دارند به این فکر می کنند که کی دوباره فرصت زیارت برایشان دست خواهد داد. اطراف حرم پر از قصه و خاطره است. آن هایی که سال ها پیش فرصت زیارت داشته اند، گاهی که دلشان برای حرم تنگ می شود، زل می زند به قاب عکس حرم که روی دیوار خانه شان است. بعد سفر به مشهد را در ذهن مرور می کنند. به حرم فکری می کنند، به سقاخانه، به اینکه همه تلاش خود را می کردند که پیش از غروب خورشید خود را به صحن انقلاب برسانند. بعد زل بزنند به سردروردی پایین خیابان تاصدای نقاره خانه بلند شود. ورودی های حرم هرکدامشان دنیای خود را دارد و زائری که به حرم می رود، با یکی از این ورودی ها خاطره دارد. سال های پیش



روزنامه کنار  
سید محمد رضا هاشمی

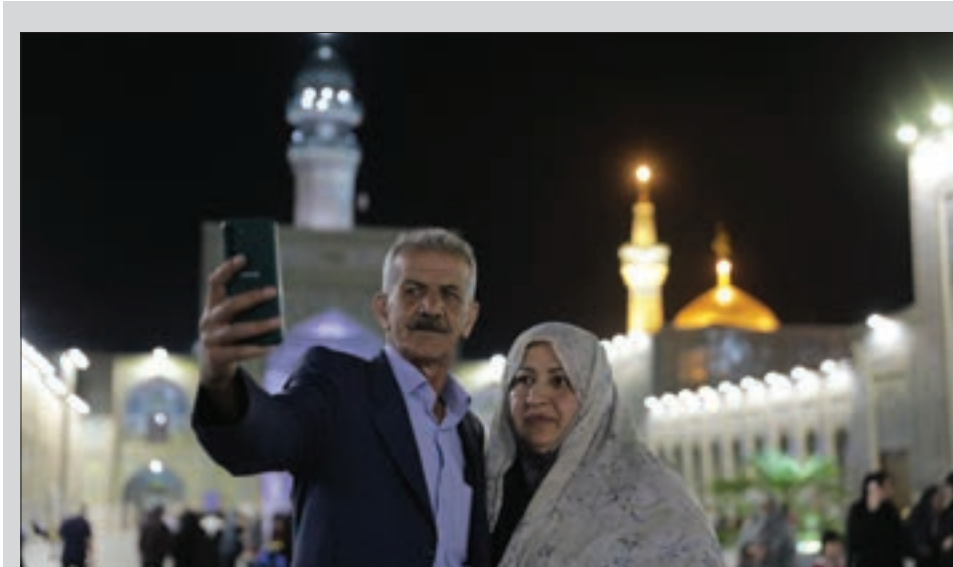
### روایت رضوی

## آدم امنی غصه های هم باشیم



روزنامه کنار  
ملیحه چاهینچن

گاهی آدم ها در گیروار زندگی روزمره رنج هایی می کشند که عیان نیست، اما چین و چروک تازه ای بر پیشانی شان می شود یا تار موی سفیدی در میان موهایشان. سکوتی طولانی می شود که آرام آرام در آن غرق می شوند، تنهایی مطلق که گریزگاهی برای آن نمی یابند. آدم هایی که ذره ذره با رنج هایشان در سکوت پیر می شوند. این رنج ها نیاز مادی نیست که با کمک مالی دیگری تأمین شود. بیشتر دغدغه ها و گرفتاری های آدمیزاد در این دنیا رنگ و بوی معیشت دارند، اما دل آدمیزاد نیز در این دنیا گرفتار رنج هایی می شود که ممکن است زندگی روزمره اش را هم به چالش های جدی بکشد. گاهی آدم ها نیاز به گفت و گو دارند، نیاز به گوش شنوایی که دقایقی بتوانند رنج ها و ناراحتی هایشان را بدون اینکه قضاوت شوند، با کسی در میان بگذارند. نیاز دارند یک نفر با توجه و مهربانی پای درددل هایشان بنشیند تا مرهمی بر زخم های پنهانشان بگذارد که گاهی هیچ کسی از آن باخبر نیست. وقتی صحبت از کمک کردن و یاری رساندن



عکس زائر  
کازم عباسی و همسرش از اسلام شهر به زیارت امام رضا (ع) آمده اند. آن ها از چهل سال پیش که با یکدیگر عهد و پیمان بسته اند، هر سال به پایوسی آقا می آیند، نذر ادا می کنند و به گفته خودشان سالی نبوده است که دست پر به ديارشان بازنگردند.  
عکس: احمد حسینی ا شهرآرا

### ۴۰ سال زیارت